بیانیه روژا در همبستگی با روژآوا

روژآوا تنها یک جغرافیا نیست؛ بلکه نامِ یک امکان است. نامِ آن لحظه‌ای که تاریخ، با اتکا به تخیل سیاسی رهایی‌بخشی که از تاریخ مقاومت مردمانی بی‌دولت برخاسته، در دل ویرانی و جنگ، راهی دیگر را امتحان کرد تا نشان دهد که مبارزه برای ساختن جهانی دیگر و بهتر همچنان ممکن است.

روژآوا تجسمی از یک بدیل ضداستعماری و از پایین است که در برابر مرگِ سازمان‌یافته سربرآورد و سیاستی جدید از دلِ زندگی شورایی، مبارزات زنان، مقاومت اکولوژیک و همبستگی جمعی به‌وجود آورد؛ سیاستی در تقابل با سلطه‌ی سرکوبگرانه‌ی ناسیونالیسم دولتی، امپریالیسم، سرمایه، نظامی‌گری و مرزهای استعماری.

امروز این امکان، این تجربه‌ی الهام‌بخش همزیستی مسالمت‌آمیز مردمان تحت‌ستم در خاورمیانه، بار دیگر آماج حمله‌ای همه‌جانبه قرار گرفته و مردمانش با تهدید یک قتل‌عام گسترده مواجه‌اند.
ساختمان‌های دانشگاه روژآوا در قامشلو مملو از آوارگانی است که در سرمای زمستان بدون پتو یا لباس کافی تلاش می‌کنند زنده بمانند.

جهادی‌های وابسته به دولت موقت دمشق، به‌ویژه زنان مبارز کورد را در جریان حملات نظامی هدف قرارمی‌دهند: آنها گیسوهای زنان گریلای اسیر یا کشته شده را در برابر دوربین‌ها به نمایش می‌گذارند تا به گمان خویش زنان را تحقیر کنند، اما حقارت زن‌ستیر و مردسالار خود را به نمایش می‌گذارند.

وضعیت کوبانی به‌طور خاص به شدت بحرانی است؛ این شهر تحت محاصره قرار دارد و از یک سو توسط نیروی نظامی دولت موقت سوریه و از سوی دیگر توسط ارتش ترکیه احاطه شده و دست‌کم هفت روز است که برق، آب و دسترسی آن به مایحتاج اولیه زندگی قطع شده است.

حمله به روژاوا و کوبانی، حمله به حافظه‌ی مقاومت است؛ به سال‌هایی که زنان و مردان این سرزمین با برابر داعش ایستادند و با شجاعتی مثال‌زدنی جلوی پیشروی آن را سد کردند. در آن زمان قدرت‌های جهانی از یک سو از مبارزه با تروریسم می‌گفتند اما از سوی دیگر از نیروهای ارتجاعی حمایت می‌کردند. امروز همان نیروها با حمایت‌های پنهان و آشکار دولت‌ها می‌کوشند آنچه را که نتواسته‌اند نابود کنند، با محاصره، کوچ اجباری و جنگ فرسایشی از میان ببرند.

این حملات بار دیگر ریاکاری امپریالیسم را آشکار کرده است؛ درست زمانی که گروه‌هایی در ایران از سر ناامیدی یا فرصت‌طلبی، ترامپ را در قامت یک منجی بازنمایی می‌کنند، معامله روژاوا از سوی

امپریالیسم غربی پس از استفاده ابزاری از آن، بار دیگر به خوبی نشان داد که مردمان تحت ستم در منطقه جز خویش یاور و متحدی نمی‌توانند داشته باشند.

می‌گویند کوردها تنها به کوه‌ها و مردمان پراکنده‌شان تکیه دارند، اما همین پراکندگی‌ها و خاطرات مقاومت در کوه‌ها میانجی ملاقات و سرایت رویاهای رهایی‌بخش بوده‌اند. گسترش شعار «ژن، ژیان، آزادی» از خیابان‌ها و زندان‌ها و کوه‌های باکور به روژآوا و از آنجا به سقز و سراسر ایران، نشان داده که خاورمیانه می‌تواند مسیری ضداستعماری و دموکراتیک را در پیش گیرد و خودش سرنوشت خویش را تعیین کند، افقی که در تضاد با منافع استعماری و سلطه‌گرانه امپریالیست‌های جهانی، توسعه‌طلبان منطقه‌ای و رژیم‌های مرتجع است.

اگر مبارزات مردمان تحت‌ستم در منطقه — مردم ایران، کوردستان، بلوچستان، عرب‌ها، ترکمن‌ها و دیگران — را نبردی در چارچوب یک جبههٔ واحد بدانیم، روژاوا امروز یکی از مهم‌ترین سنگرهای آن است. دفاع از این سنگر وظیفهٔ هر کسی است که به افق دموکراتیک و ضداستعماریِ رهایی باور دارد. این مقاومت و مبارزه، بیش از هر زمان دیگری، به همبستگی جهانی نیازمند است؛ به‌ویژه از سوی فمینیست‌ها، چپ‌ها، اکولوژیست‌ها و همهٔ کسانی که از این جنبش الهام گرفته‌اند.

تصاویر زیبایی از همبستگی کوردها منتشر شده است: کوردهایی که از ایران، از مناطق تحت سرکوب در خیزش خونین اخیر مانند کرمانشاه، ایلام و... برای پیوستن به مبارزه در روژآوا رهسپار شده‌اند. همزمان، اتوبوس‌هایی داوطلبان را با شعار «بژی برخودانی روژآوا» و «ژن، ژیان، آزادی»، از اقلیم کوردستان عراق، از سلیمانیه و اربیل، به سمت روژآوا منتقل کرده‌اند تا تا به صف مقاومت علیه پاک‌سازی اتنیکی و مبارزه علیه زن‌کشی بپیوندند این تصاویر نمادی از همبستگی واقعی است که نباید محدود به کوردها بماند.

ما، به‌عنوان جمعی از دیاسپورای کوردها و ایرانی و افغانستانی ساکن فرانسه، این لحظه‌ي سرکوب را ادامه‌ی انتخاب‌های دروغینی می‌دانیم که دهه‌هاست به مردم خاورمیانه تحمیل شده است: یا استبداد یا جنگ؛ یا دیکتاتوری مذهبی یا ویرانی تمام‌عیار؛ یا دولت‌گرایی ناسیونالیستی یا قتل‌عام، یا اتکا به قدرت‌های بزرگ بین‌المللی یا نابودی.

در برابر این دوگانه‌های مرگبار، ما بار دیگر به «ژن، ژیان، ئازادی» بازمی‌گردیم؛ شعاری که همچنان یک افق رهایی مشترک میان مردمان تحت ستم در روژآ و مردمان در جغرافیای ایران و افغانستان است؛ افقی که در آن، مبارزه‌ی زنان، خودگردانی مردمی، برابری اتنیکی-ملی و دینی، و حفاظت از زیست‌بوم و زندگی، به یک پروژه‌ی واحد رهایي‌بخش همگانی بدل می‌شود.

بی‌آن‌که تجربه روژاوا را رمانتیزه کنیم یا شکاف میان ایده و تحققِ ناکافی آن را نادیده بگیریم، ما برآنیم که از پروژهٔ سیاسی آن باید مطلقا دفاع کرد، چرا که معرفِ شیوه‌ای از زیست و سیاست‌ورزی است که در تلاقیِ مبارزه و مقاومتِ محلی با مبارزه و همبستگیِ انترناسیونالیستی، می‌تواند قطب‌نمایی برای سیاست رهایی‌بخش در منطقهٔ پرآشوبِ غرب آسیا باشد.

امروز وظیفه‌ی ما و همه‌ي تمام انترناسیونالیست‌ها بسیج برای روژآواست. ما همه‌ی رفقای انترناسیونالیست را به همبستگی عملی با با روژآوا فرا می‌خوانیم و از همه می‌خواهیم که با کنش‌های جمعی و اعتراضی به این کارزار بپوندند. همانطور که مقاومت مردمی در دفاع از فلسطین، توانست انترناسیونالیسمی از پایین را علیه حکومت نسل‌کش اسرائیل و در برابر اتحاد ارتجاعی دولت‌ها شکل دهد، امروز روژاوا اسم رمز همبستگی انترناسیونالیستی است؛ هر کجا که هستیم، در کنار روژآوا بایستیم و صدای خود را در حمایت از مقاومت آن بلند کنیم.

ژن، ژیان، ئازادی
زندەباد مقاومت روژآوا
بژی بەرخودانی روژئاوا

En solidarité avec le Rojava
Par ROJA

Le Rojava n’est pas seulement une territoire ; Rojava incarne une possibilité, un moment dans l’Histoire, un imaginaire politique émancipateur issu de la longue résistance des peuples sans État, qui au cœur des ruines et de la guerre, a tenté une autre voie afin de montrer que « la lutte pour construire un monde autre et meilleur reste possible ».

Le Rojava incarne une alternative anticoloniale construite par le bas, qui s’oppose à la mort et fait émerger une nouvelle politique à partir de la vie fondée sur les conseils, des luttes des femmes, des luttes écologiques et de la solidarité collective ; une politique en rupture avec la domination du nationalisme étatique, de l’impérialisme, du capital, du militarisme et des frontières coloniales.

Aujourd’hui, cette possibilité — cette expérience rare de coexistence pacifique entre peuples opprimés au Moyen-Orient — est de nouveau la cible d’une attaque tous azimuts. Sa population est confrontée à la menace d’un massacre à grande échelle, et son projet politique risque l’anéantissement, précisément parce qu’il a démontré qu’il est possible de vivre et de faire de la politique autrement.

Les bâtiments de l'Université du Rojava à Qamishli sont remplis de personnes déplacées qui, dans le froid hivernal, tentent de survivre sans couvertures ni vêtements de rechange.
Les djihadistes affiliés au gouvernement intérimaire de Damas ciblent spécifiquement les femmes combattantes kurdes lors des offensives militaires : ils exhibent les cheveux des guérillères capturées ou tuées devant les caméras dans une tentative de les humilier, mais c'est en réalité leur propre misogynie et leur logique patriarcale qu'ils mettent en scène. La situation à Kobané est extrêmement critique : la ville est assiégée, encerclée d'un côté par les forces militaires du gouvernement de transition syrien et de l'autre par l'armée turque. Depuis au moins sept jours, l'électricité, l'eau et l'accès aux biens de première nécessité y sont coupés.

Attaquer le Rojava et Kobané, c'est s'en prendre à la mémoire de la résistance ; aux années durant lesquelles cette terre, défendue par une avant-garde des forces populaires, a résisté à Daech — à une époque où les puissances mondiales prétendaient lutter contre le terrorisme tout en soutenant des forces réactionnaires. Aujourd'hui, par le siège, les déplacements forcés et une guerre d'usure, ces mêmes forces, avec le soutien explicite ou implicite des États, cherchent à détruire ce qu'elles n'ont pas réussi à écraser.

Ces attaques révèlent une fois de plus l'hypocrisie de l'impérialisme ; au moment où certains groupes en Iran, par désespoir ou opportunisme, redéfinissent Trump comme un sauveur, l'attitude de l'impérialisme occidental envers le Rojava, après l'avoir utilisé comme un outil, montre clairement que les peuples opprimés de la région ne peuvent compter que sur eux-mêmes pour leur soutien et leur solidarité.

On dit que les Kurdes ne comptent que sur leurs montagnes et leurs peuples dispersés, mais ces dispersions et les souvenirs de la résistance dans les montagnes ont été des vecteurs de rencontres et de diffusion des rêves de libération.

la propagation du slogan « Jin, Jiyan, Azadî » des rues, des prisons et des montagnes kurdes du Bakur (en Turquie) vers le Rojava, puis vers Saqqez (la ville kurde de Jina Amini) et l'ensemble de l'Iran, a démontré que le Moyen-Orient peut suivre une voie anticoloniale et démocratique, en décidant lui-même de son destin. Cet horizon est en contradiction directe avec les intérêts coloniaux et impérialistes des puissances mondiales, des expansionnistes régionaux et des régimes réactionnaires.

La lutte du Rojava est celle de tous les peuples opprimés et unit les différents fronts d'un même combat : les peuples d'Iran, du Kurdistan, du Baloutchistan, les Arabes et toutes les autres communautés soumises à la répression. La solidarité avec cette lutte est le devoir de toute personne engagée pour un horizon démocratique et anticolonial.

Aujourd'hui, les Kurdes ne comptent que sur leurs montagnes et sur leurs peuples dispersés, mais leur combat a plus que jamais besoin de solidarité internationale — en particulier de la part

des féministes, des forces de gauche, des écologistes et des peuples du Moyen-Orient qui se sont inspirés de ce mouvement. Des images fortes de solidarité ont circulé : des Kurdes venant d'Iran, de régions durement réprimées lors du récent soulèvement sanglant — comme Kermanshah, Ilam et d'autres villes du Kurdistan — se rendent au Rojava pour rejoindre la lutte, car ils considèrent le Rojava comme un symbole de résistance.

Des bus de volontaires, arborant les slogans « Bijî Berxwedana Rojava» et « Jin, Jiyan, Azadî », partent de la région autonome du Kurdistan d'Irak, de Souleimaniyeh et d'Erbil, vers le Rojava pour rejoindre la résistance contre le nettoyage ethnique et les féminicides. Ces images illustrent une solidarité concrète et une lutte commune.

En tant que collectif de Kurdes, d'Iraniens et d'Afghans de la diaspora vivant en France, nous considérons ce moment de répression comme la continuité de faux choix imposés depuis des décennies aux peuples du Moyen-Orient : soit le despotisme, soit la guerre ; soit la dictature religieuse, soit la destruction totale ; soit le nationalisme de l'État, soit le massacre.

Face à ces alternatives mortifères, nous en revenons une fois encore à « Jin, Jiyan, Azadî » — un slogan qui demeure l'horizon des peuples opprimés du Rojava, mais aussi le nôtre en Iran et en Afghanistan. Un horizon où la lutte des femmes, l'autogestion populaire, l'égalité ethnique, nationale et religieuse, ainsi que la défense des écosystèmes et de la vie, se rejoignent dans un projet commun d'émancipation universelle.

Sans romantiser l'expérience du Rojava ni ignorer la distance entre un idéal et sa réalisation encore incomplète, nous estimons qu'il est absolument nécessaire de défendre ce projet politique, car il incarne une manière de vivre et de faire de la politique qui, à l'articulation des luttes et résistances locales avec la lutte et la solidarité internationalistes, peut constituer une boussole pour une politique émancipatrice dans la région troublée de l'Asie occidentale.

Aujourd'hui, il est de notre devoir, ainsi que celui de tous les internationalistes, de nous mobiliser pour le Rojava. Nous appelons tous les camarades internationalistes à exprimer leur solidarité concrète avec le Rojava et à rejoindre cette campagne par des actions collectives et des manifestations.

Tout comme la résistance populaire en défense de la Palestine a su faire émerger un internationalisme par le bas contre le régime génocidaire israélien et l'alliance réactionnaire des États, le Rojava est aujourd'hui un mot d'ordre de la solidarité internationaliste. Où que nous soyons, tenons-nous aux côtés du Rojava et élevons nos voix en soutien à sa résistance.

Jin, Jiyan, Azadî
Vive la résistance du Rojava
Bijî Berxwedana Rojava

Roja Collectif,
23.01.2026